

نویسنده : قاسم قاسم «Qassem Qassem» .
منبع و تاریخ نشر : کریدل «2025-06-14» .
برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

جنگ اسرائیل علیه ایران هرگز فقط به خاطر سلاح‌های هسته‌ای نبود

*Israel's war on Iran was never just about
nukes*

نتانیا‌هو همیشه به دنبال چیزی بیش از توقف برنامه هسته‌ای ایران بوده است . در جنگ فعلی، تل‌آویو فرصتی تاریخی برای سرنگونی نهایی جمهوری اسلامی می‌بیند.

Netanyahu has always sought more than just a halt to Iran's nuclear program. In the current war, Tel Aviv sees a historic opportunity to finally bring down the Islamic Republic.



عکاسی توسط کریدل

«رژیم ایران هرگز ضعیف‌تر از این نبوده است. این لحظه شما - ایرانیان - است که بر خیزید و صدایتان را به گوش دیگران برسانید. ما در کنار شما ایستاده‌ایم.» —

بنیامین نتانیا هو، ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵

از دهه «1990»، **بنیامین نتانیا هو**، نخست وزیر اسرائیل، در هدف استراتژیک خود، یعنی متوقف کردن برنامه هسته‌ای ایران، تزلزل ناپذیر بوده است. در زمانی که حتی واشنگتن بر توافقات صلح و سازش با فلسطینیان متمرکز بود، **نتانیا هو** از قبل بر ایران متمرکز بود.

او از توافق صلح با فلسطینیان انتقاد می‌کرد اما پیوسته بر «تهدید ایران» تأکید داشت. در زمانی که این موضوع اولویت جهانی یا منطقه‌ای نداشت، نتانیا هو تقریباً به تنهایی در مورد جاه‌طلبی‌های هسته‌ای ایران هشدار می‌داد.

در اوایل دهه ۲۰۰۰، در حالی که **آریل شارون**، نخست وزیر اسرائیل، بر سرکوب انتفاضه الاقصی و آنچه او «تروریسم فلسطینی» می‌نامید، تمرکز داشت، نتانیا هو همزمان در مورد جاه‌طلبی‌های هسته‌ای ایران هشدار می‌داد. شارون ایران را یک مشکل بین‌المللی می‌دانست که باید به صورت جهانی حل شود، اما نتانیا هو به دنبال رویارویی یکجانبه بود. نتانیا هو همیشه می‌خواست رده‌های خود را در تاریخ یهود به جا بگذارد و به عنوان رهبری که «تهدید هسته‌ای ایران» را خنثی کرده، به یاد آورده شود.

نقشه‌ها را خنثی کرد و جاه‌طلبی‌ها را احیا کرد

تا سال ۲۰۱۰، نتانیا هو و وزیر دفاع وقت، ایهود باراک، به ارتش اسرائیل دستور دادند تا حملاتی را علیه سایت‌های هسته‌ای ایران و ترور دانشمندان ایرانی آماده کنند. این عملیات تنها به این دلیل متوقف شد که رهبران امنیتی کلیدی واکنش نشان دادند: گابی اشکنازی، رئیس ستاد مشترک، **یووال دیسکین**، رئیس شین بت، و **مئیر داگان**، رئیس موساد، همگی هشدار دادند که اسرائیل بدون حمایت ایالات متحده، فاقد ظرفیت نظامی برای حمله به ایران است.

دولت اوپاما، که توسط باراک هوشیار شده بود، به سمت دیپلماسی چرخید و برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) را با تهران امضا کرد. **نتانیا هو** خشمگین شد. اما رویای بمباران ایران هرگز از بین نرفت. او این تلاش را در صحنه بین‌المللی ادامه داد - حتی از مجمع عمومی سازمان ملل برای نمایش کار تونی ازیک بمب استفاده کرد و به ایران هشدار داد که از خط قرمز در غنی‌سازی اورانیوم عبور می‌کند.

در طول دوره اول ریاست جمهوری دونالد ترامپ، نتانیا هو پس از افشای «بایگانی هسته‌ای دزدیده شده» ایران، موفق شد او را متقاعد کند که از توافق هسته‌ای خارج شود. نتانیا هو برای حفظ شتاب سیاسی و نظامی، به ارتش دستور داد تا بدون کمک خارجی برای حمله به ایران آماده شوند و به شعاری که اغلب تکرار می‌کند، استناد کرد: «سرنوشت تنها کشوریهودی در جهان را نمی‌توان به غریبه‌ها سپرد، حتی اگر آنها متحدان ما باشند.»

سپس تل‌آویو قتل‌های هدفمند و حملات سایبری را افزایش داد. ترور محسن فخری‌زاده (که از سال ۲۰۰۹ در فهرست ترور موساد بود)، دانشمند ارشد هسته‌ای ایران، در سال ۲۰۲۰ پیامی بود: جنگ اسرائیل علیه ایران وارد مرحله جدیدی شده است.

رویارویی اسرائیل و ایران هرگز متوقف نشده است. نتانیا هو همچنان معمار این درگیری است. حتی پس از آنکه بنت، نخست‌وزیر سابق اسرائیل، رهبر مخالفان در کنست در دولت نفتالی بنت-یائیر لاپید شد، از موضع نتانیا هو حمایت کرد و اظهار داشت که «هزار ضربه» باید به «سر محور» - یعنی ایران - وارد شود. بنابراین، نتانیا هو پرونده ایران را در زندگی سیاسی روزمره اسرائیل ریشه دوانده است - هیچ نخست‌وزیری نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد.

از جنگ پنهان تا رویارویی آشکار

عملیات سیل الاقصی به رهبری حماس، ترس اسرائیل را عمیق‌تر کرد. تل‌آویو با تشدید تنش در چندین جبهه واکنش نشان داد: غزه، لبنان، سوریه، یمن و به طور پنهانی، ایران. دولت اشغالگر از تغییرات منطقه‌ای - تضعیف دفاع هوایی سوریه و ایجاد یک کریپور جدید از طریق عراق - برای حمله عمیق‌تر به خاک ایران سوءاستفاده کرد.

تل‌آویو معتقد است که باحمله نکردن به ایران در سال ۲۰۱۰ مرتکب اشتباه استراتژیک شده است. اکنون، سایت‌های هسته‌ای ایران مستحکم‌تر و دفاع آن قوی‌تر شده است. برخی از تحلیلگران اسرائیلی استدلال می‌کنند که اگر تهران به سلاح‌های هسته‌ای دست یابد، این کشور و متحدانش جسورتر می‌شوند و اسرائیل را مجبور می‌کنند برای جلوگیری از یک تهدید واقعی وجودی اقدام کند.

جنگ فعلی اوج وسواس چندین دهه ای نتانیا هو است. رسانه‌های اسرائیلی اکنون اذعان می‌کنند که عملیات شجاعت شیر، دانشمندان، تأسیسات هسته‌ای، سایت‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و پرسنل نظامی ایران را هدف قرار می‌دهد. اما جاه طلبی عمیق‌تر است.

طرح تغییر رژیم

همانطور که توسط اندیشکده‌ها و برنامهریزان استراتژیک اسرائیل مستند شده است، هدف بلندمدت تغییر رژیم است: برچیدن جمهوری اسلامی، روی کار آوردن یک دولت

دوست و در هم شکستن محور مقاومت. برخی استدلال می‌کنند که با پیر شدن علی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، این سیستم آسیب‌پذیر است.

برخی دیگر از گام‌های رادیکال‌تری حمایت می‌کنند: حمله‌ای ویرانگر به رهبری ایران همراه با حمله به زیرساخت‌های نفتی برای شعله ور کردن ناآرامی‌های داخلی. خطرات بسیار زیاد است، اما تل‌آویو این را به عنوان یک گشایش تاریخی می‌بیند.

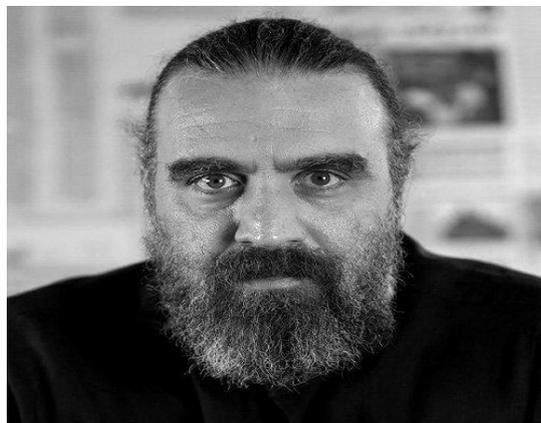
این دیگر یک جنگ سایه نیست. برای اولین بار، اسرائیل آشکارا به عمق خاک ایران حمله کرده و باعث تلافی مستقیم شده است. قدرت‌های غربی برای دفاع از دولت اشغالگر هجوم آورده‌اند، اما مسیر در حال تغییر است.

اسرائیل شرط می‌بندد که می‌تواند پاسخ ایران را تحمل کند، جمهوری اسلامی را بشکند و معادلات قدرت غرب آسیا را برای دهه‌های آینده از نو بنویسد.

اما ایران منزوی نیست و نتانیا هو ممکن است زیاده روی کند. محور مقاومت - از حزب‌الله گرفته تا انصارالله و جناح‌های عراقی - اگرچه آسیب دیده و در چندین جبهه درگیر است، بسیج شده است. منطقه برای یک رویارویی گسترده‌تر آماده می‌شود. نتانیا هو دریچه‌ای می‌بیند. تهران نه تنها عبور از یک خط قرمز، بلکه عبور از خطوط قرمز زیادی را می‌بیند. بقیه غرب آسیا جنگی را می‌بینند که می‌تواند نقشه را از نو ترسیم کند.

سطری در مورد نویسنده این مقاله :

قاسم روزنامه‌نگار فلسطینی است که به مدت ۱۵ سال برای روزنامه لبنانی الاخبار کار می‌کرد و در امور فلسطین و اسرائیل تخصص داشت



قاسم

----- با احترام «2025-06-17» -----